

دکتر نسرين اصلانی

بامقدمه دکتر زهره زرشناس

اندرزنامه نویسی
در ایران باستان



سرشناسه	: اصلاتی، نسرين، ۱۳۶۲ -
عنوان و نام پدیدآور	: اندرزنامه‌نویسی در ایران باستان/ نسرين اصلاتی؛ با مقدمه زهره زرشناس.
مشخصات نشر	: تهران: اندیشه احسان، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۴۵۷ص.؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س م
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۶۰۲۶-۶۸-۰
موضوع	: اندرزنامه‌های ایرانی - *Maxims, Iranian
موضوع	: اندرزنامه‌های ایرانی -- ترجمه شده به فارسی
موضوع	: *Maxims, Iranian -- Translations into Persian
موضوع	: اندرزنامه‌های فارسی باستان - Maxims, Old Persian
موضوع	: اندرزنامه‌های اوستایی - Maxims, Avestan
موضوع	: اندرزنامه‌های فارسی میانه - Maxims, Middle Persian
موضوع	: اندرزنامه‌های مانوی - Maxims, Manichaen
موضوع	: اندرزنامه‌های سفدی - Maxims, Sogdian
موضوع	: ادبیات ایرانی -- پیش از اسلام - Iranian literature -- To 633
موضوع	: ایران -- تاریخ -- پیش از اسلام -- مطالب گونه‌گون
موضوع	: Iran -- History -- To 633 -- Miscellanea
شناسه افزوده	: زرشناس، زهره، ۱۳۳۰ - ، مقدمه‌نویس
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۷ الف ۶ الف PIR
رده بندی دیوبی	: ۹۳/۳۹۸ فا
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۴۰۸۹۵۷



اندرزنامه‌نویسی در ایران باستان

مؤلف: دکتر نسرين اصلاتی

تولید فنی: زهرا قربانی

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۸ شمارگان: ۵۰۰

طراح و گرافیک: پرویز بیانی

تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً و جزاً (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است و پیگرد قانونی دارد.

دفتر نشر: تهران، خ انقلاب، روبروی درب اصلی دانشگاه تهران، پاساژ فروزنده، ط ۲، واحد ۵۰۷

تلفن: ۰۰۲-۶۶۴۶۶۰۰۲ - تلگرام: ۰۰۲-۹۱۹۱۵۵۱۸۰۲ - سایت: www.andishehehsan.com

فروشگاه: تهران، خ انقلاب، روبروی درب اصلی دانشگاه تهران، پاساژ فروزنده، طبقه همکف، واحد ۳۰۷



andishe_ehsan



sociologybookstore - ۶۶۴۶۶۰۰۱ - تلفن:

سپاسگزاری

در آغاز از استاد ارجمندم، سرکار خانم دکتر زهره زرشناس که افتخار راهنمایی این پژوهش و نگارش مقدمه این اثر را به من دادند؛ بی‌نهایت سپاسگزارم.

و نیز از دیگر استادان بزرگوام جناب آقای دکتر محسن ابوالقاسمی، سرکار خانم دکتر ژاله آموزگار، جناب آقای دکتر محمد تقی راشد محصل، سرکار خانم دکتر مهشید میرفخرایی، سرکار خانم دکتر کنایون مزداپور، جناب آقای دکتر محمد مهدی اسماعیلی، جناب آقای دکتر ابوالقاسم اسماعیل پور، جناب آقای دکتر مجتبی منشی‌زاده، سرکار خانم دکتر الیزابت سهراب و زنده یاد دکتر صغری دربندی که روشنگر راهم بودند و زبان و فرهنگ ایران باستان را به من آموختند؛ سپاسگزارم.

همچنین بر خود واجب می‌دانم از لطف و شکیبایی همسرم سپاسگزاری نمایم که در تمامی مراحل این پژوهش، همواره یاریگرم بوده است.

در پایان از مدیریت محترم انتشارات اندیشه احسان، جناب آقای برجی و دیگر عوامل اجرایی آن مجموعه که امکان چاپ این اثر را فراهم نمودند و سرکار خانم رویا حسینی که زحمت صفحه‌آرایی این کتاب را برعهده داشتند؛ صمیمانه تشکر می‌نمایم.

فهرست

- ۲۳.....سخن استاد.....
- ۲۷.....مقدمه نگارنده.....
- ۲۸.....پیشینه اندرزنامه نویسی.....
- ۲۹.....واژه اندرز و معنای آن.....
- ۳۵.....سنت اندرزگویی.....
- ۳۶.....ادبیات اندرزی.....
- ۳۸.....اندرزهای کهن ایرانی.....
- ۳۸.....اندرزهای دوره باستان.....
- ۳۹.....الف- اندرزهای هخامنشیان.....
- ۴۱.....ب- اندرزهای اوستا.....
- ۴۲.....اندرزهای دوره میانه.....
- ۴۲.....الف- اندرزهای فارسی میانه (پهلوی).....
- ۴۴.....ب- اندرزهای مانوی.....
- ۴۵.....ج- اندرزهای سغدی.....
- ۴۷.....بخش اول: اوضاع کلی ایران باستان در سه دوره باستانی.....
- ۵۱.....فصل اول: هخامنشیان.....
- ۵۲.....اوضاع اجتماعی، سیاسی و نظامی ایران در عصر هخامنشی.....
- ۵۸.....اوضاع اقتصادی در عصر هخامنشی.....
- ۶۱.....ساختار ملوک الطوائفی در ایران عصر هخامنشی.....

۸ اندرزنامه‌نویسی در ایران باستان

- دین هخامنشیان..... ۶۳
- آیین زردشت..... ۷۱
- زبان، خط و ادبیات..... ۷۵
- فارسی باستان..... ۷۶
- اوستا..... ۷۸
- فصل دوم: سلوکیان و اشکانیان..... ۸۱**
- سلوکیان..... ۸۱
- اوضاع اجتماعی، سیاسی و نظامی ایران در عصر سلوکی..... ۸۱
- اوضاع اقتصادی..... ۸۵
- دین سلوکیان..... ۸۶
- زبان، خط و ادبیات..... ۸۶
- اشکانیان..... ۸۷
- اوضاع اجتماعی، سیاسی و نظامی ایران در عصر اشکانی..... ۹۰
- اوضاع اقتصادی..... ۹۴
- دین اشکانیان..... ۹۵
- زبان، خط و ادبیات..... ۹۷
- فصل سوم: ساسانیان..... ۱۰۱**
- آغاز سلسله..... ۱۰۱
- اوضاع اجتماعی، سیاسی و نظامی ایران در عصر ساسانی..... ۱۰۲
- اوضاع اقتصادی..... ۱۱۴
- دین ساسانیان..... ۱۱۶
- ادیان روزگار ساسانی..... ۱۲۰
- الف) زردشتی‌گری..... ۱۲۰

فهرست ۹

- ۱۲۳ (ب) مسیحیت
- ۱۲۵ (ج) مانویت
- ۱۳۲ (د) آیین مزدک
- ۱۳۷ زبان، خط و ادبیات
- ۱۳۹ فارسی میانه
- ۱۴۲ مانوی
- ۱۴۶ سغدی
- ۱۵۸ پایان کار ساسانیان
- بخش دوم: متون اندرزی ۱۶۱
- فصل اول: متون اندرزی در دوره باستان ۱۶۳
- فارسی باستان ۱۶۳
- آوانویسی متون ۱۶۴
- الف- اندرزه‌های دینی ۱۶۴
- ۱- پرستش اهورامزدا و احترام به خواست او ۱۶۴
- ۲- راستی، راست گویی و ترک نکردن راه راست ۱۶۶
- ۳- پرهیز از دروغ و دروغزنی ۱۶۷
- ۴- بشارت به دوستی و یاری اهورامزدا برای راستگویان و مجازات او برای دروغگویان ۱۶۸
- ب- اندرزه‌ها در باب حکمت عملی و تجربی ۱۷۰
- ۱- توصیه پادشاه به جانشینان خود در امور کشورداری مانند محافظت از دودمان نیک مردان و پارسیان ۱۷۰
- ۲- احترام به قانون و اجرای آن ۱۷۱
- ۳- نگاهداری از نوشته‌ها و پیام‌های شاهان هخامنشی و انتقال صحیح آن به دیگران و آیندگان ۱۷۲

- ترجمه متون ۱۷۴
- الف- اندرزهای دینی ۱۷۴
- ۱- پرستش اهورامزدا و احترام به خواست او ۱۷۴
- ۲- راستی، راست گویی و ترک نکردن راه راست ۱۷۷
- ۳- پرهیز از دروغ و دروغزنی ۱۷۷
- ۴- بشارت به دوستی و یاری اهورامزدا برای راستگویان و مجازات او برای دروغگویان ۱۷۸
- ب- اندرزها در باب حکمت عملی و تجربی ۱۸۰
- ۱- توصیه پادشاه به جانشینان خود در امور کشورداری مانند محافظت از دودمان نیک مردان و پارسیان ۱۸۰
- ۲- احترام به قانون و اجرای آن ۱۸۱
- ۳- نگاهداری از نوشته‌ها و پیام‌های شاهان هخامنشی و انتقال صحیح آن به دیگران و آیندگان ۱۸۲
- اوستایی ۱۸۳
- آوانویسی متون ۱۸۴
- گاهان ۱۸۴
- الف - اندرزهای دینی ۱۸۴
- ۱- ستایش اهورامزدا و اطاعت از فرمان و آموزه‌های او ۱۸۴
- ۲- دعوت به راستی و پرهیزکاری، پرهیز از دروغ و دروندان ۱۸۶
- ۳- تلاش برای جلب رضایت اهورامزدا و زردشت و برآوردن کام ایشان ۱۸۸
- ۴- بازداشتن دروغ از پیشرفت و گسترش ۱۸۹
- ب - اندرز در باب حکمت عملی و تجربی ۱۹۰
- ۱- انتخاب راستی و راه راست (اشه) ۱۹۰
- ۲- گزینش صحیح‌ترین از راه اندیشه ۱۹۱
- ۳- اندیشیدن درباره تمام امور و عمل براساس اندیشه ۱۹۲
- ۴- پیشی گرفتن از یکدیگر در راه راستی و اندیشه نیک ۱۹۳

فهرست ۱۱

- ۵- نیکی کردن به درستکاران و بدی به دروندان..... ۱۹۳
- ۶- پرهیز از معاشرت با دروندان و پیمان‌شکنان..... ۱۹۴
- ۷- تلاش برای برانداختن خشم و ستم..... ۱۹۴
- ۸- برگزیدن شه‌یاران نیک و ممانعت از حکمرانی شه‌یاران بد..... ۱۹۴
- ۹- آموزش از راه سخن..... ۱۹۴
- اوستای غیر‌گاهانی (متاخر)..... ۱۹۶
- الف - اندرزهای دینی..... ۱۹۶
- ۱- نیایش برای اهورامزدا..... ۱۹۶
- ۲- ستایش اشه (راستی)..... ۱۹۷
- ۳- ستایش ایزدان..... ۱۹۸
- ۴- توصیه به انجام امور دینی..... ۱۹۹
- ۵- ستایش اندیشه، گفتار و کردار نیک و نکوهش اندیشه، گفتار و کردار بد و توبه کردن از آن..... ۱۹۹
- ب - اندرز در باب حکمت عملی و تجربی..... ۲۰۰
- ۱- درست‌کرداری و خواستار بهترین راستی بودن..... ۲۰۰
- ۲- برگزیدن و انجام کارهای نیک برای هر دو هستی و آموزش آن به دیگران..... ۲۰۱
- ۳- انتخاب راه راستی در زندگی و انجام امور دنیوی با نیک‌اندیشی، نیک‌کرداری و نیک‌گفتاری..... ۲۰۱
- ۴- تلاش برای خشنودی پرهیزکاران..... ۲۰۲
- ترجمه متون..... ۲۰۳
- گاهان..... ۲۰۳
- الف- اندرزهای دینی..... ۲۰۳
- ۱- ستایش اهورامزدا و اطاعت از فرمان و آموزه‌های او..... ۲۰۳
- ۲- دعوت به راستی و پرهیزکاری و پرهیز از دروغ و دروندان..... ۲۰۶
- ۳- تلاش برای جلب رضایت اهورامزدا و زردشت و برآوردن کام ایشان..... ۲۰۸
- ۴- بازداشتن دروغ از پیشرفت و گسترش..... ۲۰۹

- ب- اندرز در باب حکمت عملی و تجربی..... ۲۱۰
- ۱- انتخاب راستی و راه راست (اشه)..... ۲۱۰
- ۲- گزینش صحیح‌ترین از راه اندیشه..... ۲۱۱
- ۳- اندیشیدن درباره تمام امور و عمل بر اساس اندیشه..... ۲۱۲
- ۴- پیشی گرفتن از یکدیگر در راه راستی و اندیشه نیک..... ۲۱۳
- ۵- نیکی کردن به درستکاران و بدی به دروندان..... ۲۱۳
- ۶- پرهیز از معاشرت با دروندان و پیمان شکنان..... ۲۱۴
- ۷- تلاش برای برانداختن خشم و ستم..... ۲۱۴
- ۸- برگزیدن شهرباران نیک و ممانعت از حکمرانی شهرباران بد..... ۲۱۵
- ۹- آموزش از راه سخن..... ۲۱۵
- اوستای غیرگاهانی..... ۲۱۷
- الف- اندرزهای دینی..... ۲۱۷
- ۱- نیایش برای اهورامزدا..... ۲۱۷
- ۲- ستایش اشه (راستی)..... ۲۱۸
- ۳- ستایش ایزدان..... ۲۲۰
- ۴- توصیه به انجام امور دینی..... ۲۲۱
- ۵- ستایش اندیشه، گفتار و کردار نیک و نکوهش اندیشه، گفتار و کردار بد و توبه کردن از آن..... ۲۲۱
- ب- اندرز در باب حکمت عملی و تجربی..... ۲۲۲
- ۱- درست کرداری و خواستار بهترین راستی بودن..... ۲۲۲
- ۲- برگزیدن و انجام کارهای نیک برای هر دو هستی و آموزش آن به دیگران..... ۲۲۳
- ۳- انتخاب راستی در زندگی و انجام امور دنیوی با نیک اندیشی، نیک کرداری و نیک گفتاری..... ۲۲۳
- ۴- تلاش برای خشنودی پرهیزکاران..... ۲۲۴

فصل دوم: متون اندرزی در دوره میانه.....	۲۲۵
فارسی میانه.....	۲۲۵
آوانویسی متون.....	۲۲۶
الف- اندرزه‌های دینی.....	۲۲۶
۱- یزش و ستایش دادار اورمزد، امشاسپندان و دیگر ایزدان مینوی، بی گمانی نسبت به آنان و تلاش برای جلب خشنودی آنان و نیایش بر دین مزدیسنايي.....	۲۲۶
۲- معرفی و دعوت به پذیرش دین بهی، اقرار به دین و تلاش برای رواج آن ..	۲۳۱
۳- مراقبت از روان.....	۲۳۲
۴- داشتن ایمان راستین و انجام کار نیک و ثواب و دعوت به آن.....	۲۳۳
۵- اعتقاد به امور آخرت، بهشت و دوزخ و تن پسین.....	۲۳۶
۶- کرفه اندیشی، کرفه اندوزی و انجام اعمالی برای افزودن کرفه و محاسبه روزانه کرفه و گناه.....	۲۳۷
۷- پرهیز از دروغ، حسد، پیمان شکنی، سخن چینی و دیگر گناهان	۲۴۰
۸- دعوت به توبه.....	۲۴۳
۹- توصیه به انجام خویدوده (ازدواج با نزدیکان).....	۲۴۴
۱۰- جنگیدن با دروج و نابودی آن.....	۲۴۵
۱۱- اجرای صحیح قواعد دینی در گیتی، دعوت به انجام آیین‌ها و آموختن آن از دین مردان.....	۲۴۶
ب- اندرزهایی در باب حکمت عملی و زندگی تجربی.....	۲۴۹
بخش اول: اندرزه‌ها در باب حکمت عملی و تجربی با رویکرد دینی	۲۴۹
۱- راست گفتاری و راست کرداری، رادی و کامل اندیشی و تلاش برای بدست آوردن منش نیک.....	۲۴۹
۲- توصیه به شکیبایی و توکل.....	۲۵۲
۳- تلاش برای رستگاری.....	۲۵۲

- ۴- یادآوری گذرانی دنیا و رسیدگی به امور مینویی بیش از امور گیتی... ۲۵۳
- ۵- داشتن خرد، فضیلت (هنرمندی) و فرهنگ..... ۲۵۵
- ۶- قانون مندی..... ۲۵۸
- ۷- دعوت به میانه روی و پرهیز از افراط و تفریط..... ۲۵۹
- ۸- خرسند و راضی بودن در امور..... ۲۶۰
- بخش دوم- اندرزها در باب حکمت عملی و زندگی تجربی..... ۲۶۲
- ۱- توصیه به آموختن، دانش اندوزی، اندیشه، دانایی و پرهیز از دژ آگاهی... ۲۶۲
- ۲- کوشش در تمام امور گیتی..... ۲۶۳
- ۳- احترام به بزرگان، پدر و مادر و آزار ندادن ایشان..... ۲۶۴
- ۴- هم نشینی و دوستی با دانایان و فرزندانگان و پرهیز از هم نشینی با بدان... ۲۶۵
- ۵- اندرز در باب مشورت و آداب آن..... ۲۶۶
- ۶- معرفی اندرزگونه آداب سخن وری..... ۲۶۸
- ۷- ترغیب به ازدواج و داشتن فرزند پارسا و گزیدن برادر نیک نام..... ۲۷۰
- ۸- توصیه به مهمان نوازی..... ۲۷۱
- ۹- دعوت به آشتی و پرهیز از خشم و کینه..... ۲۷۱
- ۱۰- پرهیز از سرزنش یا ستایش بیهوده مردمان و ریشخند کردن..... ۲۷۲
- ۱۱- پرهیز از پرخوری..... ۲۷۴
- ۱۲- اندرز درباره انتخاب دوست و دشمن..... ۲۷۴
- ۱۳- معرفی نیکی و بدی در امور گیتی..... ۲۷۵
- ۱۴- معرفی دانایان و نادانان (بدآگاهان)..... ۲۷۶
- ج- اندرزهای کلی در باب مسایل دینی و حکمت عملی و تجربی..... ۲۷۶
- د- نمونه کلی از اندرز در باب حکمت عملی و تجربی..... ۲۸۱
- ذ- عبارات اندرزی کوتاه درباره حکمت عملی و تجربی..... ۲۸۲
- ۱- پرهیز از درویشی..... ۲۸۲
- ۲- شرم نداشتن از بیماری و خویشاوند درویش..... ۲۸۲
- ۳- تلاش برای به دست آوردن شادی و کرفه..... ۲۸۲

- ۴- خیرخواهی و پرهیز از بدخواهی برای دیگران..... ۲۸۲
- ۵- عدم اعتماد کامل به دیگران..... ۲۸۳
- ۶- تلاش برای نیک نامی و پرهیز از بدنامی..... ۲۸۳
- ۷- پرهیز از غرور و خودستایی..... ۲۸۳
- ۸- سپاسگزاری در امور..... ۲۸۳
- ۹- سحرخیزی..... ۲۸۴
- ۱۰- پرهیز از مال اندوزی..... ۲۸۴
- ۱۱- بی‌اعتنایی به قدرت و ثروت..... ۲۸۴
- ۱۲- تلاش برای انجام ثواب‌های بزرگ..... ۲۸۵
- ۱۳- دور کردن خست از جهان و شرایط آن..... ۲۸۵
- ۱۴- دور کردن ترس و بیم از جهان و شرایط آن..... ۲۸۵
- ۱۵- مراقبت مردم از خوی و سرشت خود..... ۲۸۶
- ۱۶- پرهیز از خوردن گوشت گاو، گوسفند و مردار..... ۲۸۶
- ترجمه متون..... ۲۸۷
- الف - اندرزهای دینی..... ۲۸۷
- ۱- یزش و ستایش دادار اورمزد، امشاسپندان و دیگر ایزدان مینویی، بی گمانی نسبت به آنان و تلاش برای جلب خشنودی آنان و نیایش بر دین مزدیسنايي..... ۲۸۷
- ۲- معرفی و دعوت به پذیرش دین بهی و اقرار به دین و تلاش برای رواج آن..... ۲۹۲
- ۳- مراقبت از روان..... ۲۹۳
- ۴- داشتن ایمان راستین و انجام کار نیک و ثواب و دعوت به آن..... ۲۹۴
- ۵- اعتقاد به امور آخرت، بهشت و دوزخ و تن‌پسین..... ۲۹۶
- ۶- کرفه اندیشی، کرفه‌اندوزی و انجام اعمالی برای افزودن کرفه و محاسبه روزانه کرفه و گناه..... ۲۹۸
- ۷- پرهیز از دروغ، حسد، پیمان شکنی و سخن چینی و دیگر گناهان ۳۰۰

- ۸- دعوت به توبه..... ۳۰۳
- ۹- توصیه به انجام خریدوده (ازدواج با نزدیکان)..... ۳۰۴
- ۱۰- جنگیدن با دروج و نابودی آن..... ۳۰۵
- ۱۱- اجرای صحیح قواعد دینی در گیتی و دعوت به انجام آیین‌ها و آموختن آن از دین مردان..... ۳۰۶
- ب- اندرزهایی در باب حکمت عملی و زندگی تجربی..... ۳۰۸
- بخش اول: اندرزها در باب حکمت عملی و تجربی با رویکرد دینی..... ۳۰۸
- ۱- راست گفتاری و راست کرداری، رادی و کامل اندیشی و تلاش برای بدست آوردن منش نیک..... ۳۰۹
- ۲- توصیه به شکیبایی و توکل..... ۳۱۲
- ۳- تلاش برای رستگاری..... ۳۱۲
- ۴- یادآوری گذرانی دنیا و رسیدگی به امور مینویی بیش از امور گیتی... ۳۱۳
- ۵- داشتن خرد، فضیلت (هنرمندی) و فرهنگ..... ۳۱۵
- ۶- قانون مندی..... ۳۱۸
- ۷- دعوت به میانه روی و پرهیز از افراط و تفریط..... ۳۱۹
- ۸- خرسند و راضی بودن در امور..... ۳۲۰
- بخش دوم- اندرزها در باب حکمت عملی و زندگی تجربی..... ۳۲۲
- ۱- توصیه به آموختن، دانش اندوزی، اندیشه، دانایی و پرهیز از دژ آگاهی..... ۳۲۲
- ۲- کوشش در تمام امور زندگی..... ۳۲۳
- ۳- احترام به بزرگان و پدر و مادر و آزار ندادن ایشان..... ۳۲۴
- ۴- هم نشینی و دوستی با دانایان و فرزندگان و پرهیز از هم نشینی با بدان..... ۳۲۵
- ۵- اندرز در باب مشورت و آداب آن..... ۳۲۶
- ۶- معرفی اندرز گونه آداب سخن وری..... ۳۲۷
- ۷- ترغیب به ازدواج و داشتن فرزند پارسا و گزیدن برادر نیک نام..... ۳۲۹
- ۸- توصیه به مهمان نوازی..... ۳۲۹
- ۹- دعوت به آشتی و پرهیز از خشم و کینه..... ۳۳۰

فهرست ۱۷

- ۱۰- پرهیز از سرزنش و ستایش بیهوده مردمان و ریشخند کردن ۳۳۱
- ۱۱- پرهیز از پرخوری ۳۳۲
- ۱۲- اندرز درباره انتخاب دوست و دشمن ۳۳۲
- ۱۳- معرفی نیکی و بدی در امور گیتی ۳۳۳
- ۱۴- معرفی دانیان و نادانان (بدآگاهان) ۳۳۳
- ج- اندرزهای کلی در باب مسائل دینی و حکمت عملی و تجربی ۳۳۴
- د- نمونه کلی از اندرزهای حکمت عملی و تجربی ۳۳۸
- ذ- عبارات اندرزی کوتاه درباره حکمت عملی و تجربی ۳۳۹
- ۱- پرهیز از درویشی ۳۳۹
- ۲- شرم نداشتن از بیماری و خویشاوند درویش ۳۳۹
- ۳- تلاش برای بدست آوردن شادی و کرفه ۳۳۹
- ۴- خیرخواهی و پرهیز از بدخواهی برای دیگران ۳۴۰
- ۵- عدم اعتماد کامل به دیگران ۳۴۰
- ۶- تلاش برای نیک نامی و پرهیز از بدنامی ۳۴۰
- ۷- پرهیز از غرور و خودستایی ۳۴۰
- ۸- سپاس گزاری در امور ۳۴۱
- ۹- سحر خیزی ۳۴۱
- ۱۰- پرهیز از مال اندوزی ۳۴۱
- ۱۱- بی اعتنایی به قدرت و ثروت ۳۴۱
- ۱۲- تلاش برای انجام ثواب‌های بزرگ ۳۴۲
- ۱۳- دور کردن خست از جهان و شرایط آن ۳۴۲
- ۱۴- دور کردن ترس و بیم از جهان و شرایط آن ۳۴۲
- ۱۵- مراقبت از خوی و سرشت خود ۳۴۳
- ۱۶- پرهیز از خوردن گوشت گوسفند، گاو و مردار ۳۴۳
- متون مانوی ۳۴۴
- الف - اندرزهای دینی ۳۴۴

- حرف‌نویسی..... ۳۴۴
- ۱- ستایش ایزدان..... ۳۴۴
- ۲- یاد کردن از بهشت و دوزخ و راه‌های ورود به آن..... ۳۴۵
- ۳- پرهیز از بت‌پرستی..... ۳۴۶
- ۴- دعوت به انجام کرفه و افزودن آن..... ۳۴۶
- ۵- اعتراف به گناهان و دعوت به توبه..... ۳۴۷
- ۶- یادآوری ناپایداری جهان مادی و ویرانی آن..... ۳۴۷
- ۷- پالایش نفس و دعوت به رستگاری..... ۳۴۹
- ۸- گسترش دین مانی و پذیرش آموزه‌های او..... ۳۵۱
- ۹- دعوت به راستی و پرهیز از دروغ..... ۳۵۱
- آوانویسی..... ۳۵۲
- ۱- ستایش ایزدان..... ۳۵۲
- ۲- یاد کردن از بهشت و دوزخ و راه‌های ورود به آن..... ۳۵۲
- ۳- پرهیز از بت‌پرستی..... ۳۵۳
- ۴- دعوت به انجام کرفه و افزودن آن..... ۳۵۳
- ۵- اعتراف به گناهان و دعوت به توبه..... ۳۵۴
- ۶- یادآوری ناپایداری جهان مادی و ویرانی آن..... ۳۵۵
- ۷- پالایش نفس و دعوت به رستگاری..... ۳۵۶
- ۸- گسترش دین مانی و پذیرش آموزه‌های او..... ۳۵۸
- ۹- دعوت به راستی و پرهیز از دروغ..... ۳۵۹
- ترجمه متون..... ۳۶۰
- ۱- ستایش ایزدان..... ۳۶۰
- ۲- یاد کردن از بهشت و دوزخ و راه‌های ورود به آن..... ۳۶۱
- ۳- پرهیز از بت‌پرستی..... ۳۶۲
- ۴- دعوت به انجام کرفه و افزودن آن..... ۳۶۳
- ۵- اعتراف به گناهان و دعوت به توبه..... ۳۶۵

- ۶- یادآوری ناپایداری جهان مادی و ویرانی آن..... ۳۶۶
- ۷- پالایش نفس و دعوت به رستگاری..... ۳۶۸
- ۸- گسترش دین مانی و پذیرش آموزه‌های او..... ۳۷۱
- ۹- دعوت به راستی و پرهیز از دروغ..... ۳۷۲
- ب - اندرز در باب حکمت عملی و تجربی..... ۳۷۳
- حرف نویسی..... ۳۷۳
- ۱- خردورزی و برتری دانش (دانایی) بر همه چیز..... ۳۷۳
- ۲- توصیه به آموختن..... ۳۷۳
- ۳- دوستی و یاری پارسایان..... ۳۷۴
- ۴- پرهیز از شکار حیوانات، خوردن گوشت و نوشیدن شراب..... ۳۷۴
- آوانویسی..... ۳۷۵
- ۱- خردورزی و برتری دانش (دانایی) بر همه چیز..... ۳۷۵
- ۲- توصیه به آموختن..... ۳۷۵
- ۳- دوستی و یاری پارسایان..... ۳۷۶
- ۴- پرهیز از شکار حیوانات، خوردن گوشت و نوشیدن شراب..... ۳۷۶
- ترجمه متون..... ۳۷۸
- ۱- خردورزی و برتری دانش (دانایی) بر همه چیز..... ۳۷۸
- ۲- توصیه به آموختن..... ۳۷۹
- ۳- دوستی و یاری پارسایان..... ۳۸۰
- ۴- پرهیز از شکار، خوردن گوشت حیوانات و نوشیدن شراب..... ۳۸۰
- سغدی..... ۳۸۲
- الف - اندرزهای دینی..... ۳۸۲
- حرف نویسی..... ۳۸۲
- ۱- پذیرش دین..... ۳۸۲
- ۲- مراقبت از روان..... ۳۸۳
- ۳- دعوت به پارسایی..... ۳۸۴

- ۴- دعوت به اندیشه نیک، نیک کرداری و دانایی و پرهیز از نادانی ۳۸۵
- ۵- پرهیز از دروغ ۳۸۷
- آوانویسی ۳۸۸
- ۱- پذیرش دین ۳۸۸
- ۲- مراقبت از روان ۳۸۸
- ۳- دعوت به پارسایی ۳۸۹
- ۴- دعوت به اندیشه نیک، نیک کرداری و دانایی و پرهیز از نادانی ۳۹۰
- ۵- پرهیز از دروغ ۳۹۲
- ترجمه متون ۳۹۳
- ۱- پذیرش دین ۳۹۳
- ۲- مراقبت از روان ۳۹۳
- ۳- دعوت به پارسایی ۳۹۶
- ۴- دعوت به اندیشه نیک، نیک کرداری، دانایی و پرهیز از نادانی ۳۹۶
- ۵- پرهیز از دروغ ۴۰۰
- ب - اندرز در باب حکمت عملی و تجربی ۴۰۱
- حرف نویسی ۴۰۱
- ۱- احترام به بزرگان، پدر و مادر و آموزگار ۴۰۱
- ۲- توصیه به حفاظت از جانداران و آزار ندادن ایشان ۴۰۲
- ۳- پرهیز از نوشیدن شراب و خوردن گوشت و شهوت رانی ۴۰۳
- ۴- پرهیز از تهمت، دزدی، غرور، تحقیر و پرداختن به امور دنیوی ۴۰۶
- ۵- معرفی آداب غذا خوردن، پرهیز از پرخوری و روزه‌خواری ۴۰۸
- ۶- دعوت به فروتنی، شکیبایی و نصیحت‌پذیری ۴۰۸
- ۷- پرهیز از مال دوستی ۴۱۰
- ۸- توصیه به تک همسری ۴۱۲
- ۹- توصیه به حفاظت از مکان‌های مذهبی ۴۱۲
- آوانویسی ۴۱۲

فهرست ۲۱

- ۱- احترام به بزرگان، پدر و مادر و آموزگار..... ۴۱۲
- ۲- توصیه به حفاظت از جانداران و آزار ندادن ایشان..... ۴۱۳
- ۳- پرهیز از نوشیدن شراب، خوردن گوشت و شهوت‌رانی..... ۴۱۴
- ۴- پرهیز از تهمت، دزدی، غرور، تحقیر و پرداختن به امور دنیوی..... ۴۱۷
- ۵- معرفی آداب غذا خوردن، پرهیز از پرخوری و روزه‌خواری..... ۴۱۹
- ۶- دعوت به فروتنی، شکیبایی و نصیحت‌پذیری..... ۴۲۰
- ۷- پرهیز از مال‌دوستی..... ۴۲۲
- ۸- توصیه به تک‌همسری..... ۴۲۳
- ۹- توصیه به حفاظت از مکان‌های مذهبی..... ۴۲۳
- ترجمه متون..... ۴۲۴
- ۱- احترام به بزرگان، پدر، مادر و آموزگار..... ۴۲۴
- ۲- توصیه به حفاظت از جانداران و آزار ندادن ایشان..... ۴۲۵
- ۳- پرهیز از نوشیدن شراب، خوردن گوشت و شهوت‌رانی..... ۴۲۶
- ۴- پرهیز از تهمت، دزدی، غرور، تحقیر و پرداختن به امور دنیوی..... ۴۳۰
- ۵- معرفی اندرزگونه آداب صحیح غذا خوردن، پرهیز از پرخوری و روزه‌خواری..... ۴۳۲
- ۶- دعوت به فروتنی، شکیبایی و نصیحت‌پذیری..... ۴۳۳
- ۷- پرهیز از مال‌دوستی..... ۴۳۶
- ۸- توصیه به تک‌همسری..... ۴۳۸
- ۹- توصیه به حفاظت از مکان‌های مذهبی..... ۴۳۸
- سخن پایانی..... ۴۳۹
- منابع..... ۴۴۹

سخن استاد

"قدیم چون فهم شود و جدید شود، دیگر آن نیست که بود"
(کنفوسیوس)

با نگاهی به تاریخ ایران و حضور آریایی‌ها و با تشکیل حکومت‌های سیاسی می‌توان دریافت که اندرزنامه نویسی دارای تاریخی به قدمت تشکیل حکومت‌های سیاسی یا حتی آغاز اختراع خط بوده‌است. چنان که در کتیبه‌های شاهان هخامنشی عبارات و جملات اندرزی، گاهی مستقیم و در بسیاری موارد غیر مستقیم به چشم می‌خورد. همچنین تمامی نصایح دینی و حتی عملی و تجربی که در گوشه گوشه اوستا آمده‌است؛ نشان از اهمیت اندرز و اندرزنامه نویسی در کتاب دینی زردشتیان دارد. در دوران اشکانیان نیز این سنت کماکان ادامه داشته و در زمان ساسانیان و به خصوص در دوره انوشیروان به اوج خود رسیده‌است. حجم گسترده خدای نامه‌ها، آیین نامه‌ها و اندرزنامه‌های بسیاری که از این دوران برجای مانده شاهدهی گویا بر این مدعاست. این نوشته‌ها بیشتر حاوی مطالبی در

ستایش خردورزی، دانش اندوزی، پرهیزکاری و پرهیز از صفات ناپسندی چون پیمان شکنی، غرور و نظایر آن و نیز ناسپاسی خداوند است و به عنوان حکمت عملی و تجربی از آن‌ها می‌توان یاد کرد.

اندرز به معنای وصیت، توصیه، موعظه، پند و نصیحت است و اندرزنامه‌ها در زمره ادبیات شفاهی به شمار می‌آیند که با تغییراتی از نسلی به نسل دیگر انتقال یافته‌اند. از این رو تعیین مولف و تاریخ تالیف برای این آثار کاری دشوار و تقریباً محال است. اجرای درست آداب و رسوم دینی، شیوه مملکت‌داری، راستگویی و درست کرداری و در نهایت روش‌های درست زندگی از جمله مضامین اندرزنامه‌ها هستند. اندرزها در اصل بایدها و نبایدهایی هستند که ریشه در تجارب پیشینیان دارند و از جهت ساختار ظاهری به تعالیم دینی بسیار شبیه‌اند. اندرزنامه‌ها از لحاظ دستوری اغلب دارای سبکی روان و ساده با جملاتی کوتاه و روشن هستند و گاه اگر ابهام زبانی در این متن‌ها دیده می‌شود؛ معمولاً عامداً و به منظور جلب توجه بیشتر خواننده به مفهوم پند ایجاد شده است.

آثار اندرزی را به لحاظ موضوعی به دو دسته دینی و حکمت عملی - تجربی می‌توان تقسیم کرد و بیشتر اندرزها معمولاً در یکی از این دو دسته جای می‌گیرند.

پژوهش حاضر برگرفته از پایان نامه دکتری سرکار خانم نسرین اصلانی، به راهنمایی اینجانب است که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای - اسنادی و در دو بخش گردآوری شده است. در بخش نخست به اوضاع کلی ایران در سه دوره هخامنشی، اشکانی و ساسانی و در پنج حوزه اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، نظامی و دینی پرداخته شده و بر این اساس، ادبیات هر دوره، مشتمل بر دو دوره زبانی باستان و میانه، نیز مورد مطالعه قرار گرفته است.

در بخش دوم با عنوان متون اندرزی، ابتدا جملات، عبارات و اصطلاحات اندرزی هر دوره از میان تمامی متن‌های برجای مانده از این دو دوره زبانی، نظیر کتیبه‌های فارسی باستان، کتاب مقدس اوستا و متن‌های فارسی میانه استخراج شده و ذیل دو فصل اندرزهای دینی و اندرزهای حکمت عملی و تجربی در این بخش گنجانده شده است. سپس با بهره‌گیری از واژه نامه‌های مرتبط با زبان‌های فارسی باستان، اوستا در دوره باستان و واژه نامه‌های فارسی میانه، مانوی و سغدی در دوره میانه؛ آوا نویسی و ترجمه متن‌ها صورت گرفته است.

در پایان کتاب نیز به یافته‌های این پژوهش اشاره شده است که حکایت از عمق پژوهش و تلاش ارزنده پژوهشگر جوان آن برای ارایه اثری روشمند و علمی دارد. برای مثال تاثیر مستقیم اوضاع اجتماعی و مذهبی هر دوره بر مضمون اندرزهای آن دوره

و نیز سبک نگارش خاص آن دوره با نگاهی ژرف، دقیق و علمی مورد بررسی قرار گرفته است که راهگشای پژوهشگران این حوزه خواهد بود.

با آرزوی توفیق روزافزون برای تمامی پژوهشگران حوزه دانشی مطالعات ایرانی، به‌ویژه پدید آورنده این پژوهش سودمند که قطره قطره در طی زمان، دریای مطالعات ایرانی و شناخت ایران را وسعت و ژرفا می‌بخشند.

"قطره دریاست اگر با دریاست"

ورنه او قطره و دریا دریاست"

دکتر زهره زرشناس

تهران، مهرماه ۱۳۹۷

مقدمه نگارنده

هان ای پسر عزیز دل‌بند
بشنو ز پدر نصیحتی چند
زین گفته سعادت تو جویم
پس یاد بگیر هرآن‌چه گویم
(ایرج میرزا)

ایرانیان باستان علاقه فراوانی به سخنان حکمت آمیز، ادب و مضامین اخلاقی داشتند. حجم قابل توجهی از اسطوره‌ها، آموزه‌ها و آیین‌های کهن ایرانی در زمینه‌های اندرزی و تربیتی بوده است و هدف از آن‌ها هم تصفیه روح، تزکیه نفس، حسن رفتار و کردار و آگاهی از آیین سخن‌گویی، مردم‌داری و راه و رسم معاشرت و به خصوص معاشرت با بزرگان و پادشاهان بوده است.

خرد و خرد‌ورزی مقوله ایست که در بیشتر ادیان و مکاتب به جایگاه رفیع آن اشاره شده و از اهمیت آن سخن رفته است و بازتاب آن را می‌توان در آثار نویسندگان و شعرای این مرز و بوم به کرات یافت. در میان متون کهن باز مانده از زبان‌های ایرانی دوره باستان و میانه، به جایگاه خرد و ارزش و اعتبار آن در نزد آدمی و نقش آن در نظام آفرینش اشاره شده است و نمونه‌های

بی بدیلی از معارف مزدیسنايي و ادبیات دوره میانه به موضوع خرد و اندیشه پرداخته‌اند.

اندرزنامه‌ها در ایران پیش از اسلام در زمره ابزارهای حفظ و اصلاح نظام اجتماعی به شمار می‌آیند به طور مثال می‌توان تذکراتی درباره نحوه رفتار با نزدیک ترین بستگان تا شیوه فرمانبرداری از بزرگان و شاهان را یافت. به زبانی دیگر، اندرزنامه‌ها عنوان رساله‌هایی مشتمل بر حکمت و پند و اندرز و دستورهای اخلاقی، دینی و سیاسی هستند.

پیشینه اندرزنامه نویسی

پیشینه اندرزنامه نویسی در ایران به گذشته‌های بسیار دور باز می‌گردد و مطالعه متون و ادبیات ایران باستان از زمان مادها تا پایان اشکانیان که پایه و اساس حکمت و ادب در عصر ساسانی شد؛ گواهی بر این پیشینه است. زیرا که در روزگار ساسانیان، اندرزها در مصداق‌های بهتری به صورت دستورالعمل‌های اخلاقی و رفتاری در امور اجتماعی، سیاسی و فرهنگی درآمد و از طریق سخنان حکمت گونه و پندآمیز در نوشته‌ها انعکاس یافت و با تالیف آثار بسیاری از جمله کتاب‌ها و پندنامه‌های منسوب به بزرگان و شخصیت‌های سیاسی به اوج خود رسید. از مطالعه یک پند اندرزی علاوه بر دریافت ماهیت پند گونه آن می‌توان به اطلاعات تاریخی بسیاری از جمله محل زندگی

مولف، مخاطبان مولف و موقعیتی که اندرز در آن آفریده شده دست یافت.

اگر چه یک متن اندرزگونه هیچ گاه به هدف ادبی و استفاده از فنون و آرایه‌های ادبی آفریده نمی‌شود ولی گاهی به صورت ناآگاهانه حاوی این آرایه‌هاست از آن جمله می‌توان به استفاده از تمثیل، شعر و معما در برخی از این متون اشاره کرد.

اندرزها همیشه حاوی مطالب اخلاقی نیستند بلکه گاهی بیشتر از آن که به جنبه اخلاقی اشاره کنند به شیوه عمل مانند مهارت‌های شغلی و رفتار حرفه‌ای توصیه می‌کنند. در واقع گاهی اندرز فقط می‌کوشد تا روش‌های تسهیل در عمل و کردار و ادب و نزاکت را آموزش دهد. بنابراین آثار اندرزگونه را می‌توان از لحاظ موضوعی به دو دسته دینی و عملی - تجربی تقسیم کرد که غالب اندرزها در یکی از این دو دسته جای می‌گیرند.

واژه اندرز و معنای آن

«واژه اندرز، handarz در زبان فارسی میانه مشتق از صورت ایرانی باستان ham-darza به معنای اتفاق، با هم و محکم کردن است و به نظر با ham-darəzā اوستایی به معنی بند و زنجیر یکی است» (حسن دوست ۱۳۸۳، ۱۳۳: ۱).

مکنزی^۱ در فرهنگ زبان پهلوی اندرز را به معنی « وصیت، توصیه، اندرز و حکم » می‌داند (مکنزی ۱۳۸۳، ۸۶).

در دانشنامه زبان و ادب فارسی، واژه اندرز با همان معنی اندرز و به معنی وصیت به کار رفته است.

برهان قاطع نیز این معنی را آورده است: «اندرز معنی پند و نصیحت و حکایت و وصیت باشد و به معنی کتاب و نوشته به نظر آمده است» (خلف تبریزی ۱۳۵۷، ۱۷۰).

در کل اندرز به عنوان واژه‌ای است که بیشتر اشخاص برجسته مانند شاهان و موبدان از آن برای نصیحت و اندرز به پسرانشان یا به مردمان دنیا، برای اداره امور کشورشان به کار می‌برند.

«در زبان پهلوی واژه‌های دیگری نزدیک به این مفهوم، āfrāh و čāstag است. این هر دو واژه بیشتر معنای آموزش و آموزه دینی دارد به ویژه چاشتگ که معمولاً در محدوده فقهی به کار می‌رود و در ضمن این‌که معنای اندرز و آموزش هم از آن بر می‌آید» (مزدآپور ۱۳۸۶، ۱۲).

«در فارسی میانه زردشتی (پهلوی)، واژه فرهنگ نیز به معنی اندرز به کار رفته است و مترادف آن، پند نیز گفته‌اند: خیز ای پسر من، تا تو را فرهنگ برآموزم (اندرز آذرباد مهراسپندان، بند ۱). واژه اندرز به معنای دانش آموختن، تربیت کردن و دانش نیز هست» (مزدآپور ۱۳۸۶، ۱۰) و در زبان پهلوی پند را راه نیز ترجمه کرده‌اند که در فارسی، وصیت اراده شده است و در کتاب مادیان هزار دادستان که کتاب حقوقی دوران ساسانی است با همین معنی به کار رفته است.

در فارسی مانوی و سغدی واژه آزند به معنی داستان‌های تمثیلی برای دادن اندرز و پند آمده است.

«در دوران پس از اسلام جز اندرز و پند، واژه‌های دیگر مانند نصیحت، وصیت، وصایا، موعظه، مواعظ و نیز حکمت مطلق و دانش همین معنی را می‌رساند. دو اصطلاح داستان زدن و اندازه گرفتن نیز برای نقل قول اندرز و دادن سرمشق و عبرت گرفتن به کار می‌رفته است (مزدا پور ۱۳۸۶، ۱۳).

تو از کار کیخسرو اندازه گیر کهن گشته کار جهان تازه گیر
(فردوسی ۱۹۶۵، ۲۲۴: ۴)

اندرز را به طور کل می‌توان مترادف با پند و نصیحت گرفت و در زمان فارسی کنونی نیز معانی مذکور به طور یکسان به جای یکدیگر به کار می‌روند و می‌توان اندرز را کاملاً در ارتباط با فرزانیگی یا حکمت دانست و از این روست که آن‌ها را به حکما و اهل خرد منسوب می‌کردند. اندرزها اصولاً از سوی فردی حکیم به همه افراد جامعه (اندرز برای عوام) و گاه به شخص اول جامعه یعنی پادشاه و یا گروهی خاص (اندرز برای خواص) خطاب می‌شد. و در واقع شکل متقاعدکننده بیانات اخلاقی هستند زیرا مخاطب را به اندیشیدن به ویژه به نتایج اعمال فرا می‌خوانند. اندرز، مخاطب را به گوش دادن به ندای تجارب بهترین انسان‌ها یعنی فرزانیگان و خردمندان دعوت می‌کند. «اندرز

به سبب درونمایه آموزشی خود رو به آینده دارد» (دوفوشه کور^۱ ۱۳۷۷، ۱۸). «اندرزنامه، صورت اولیه کتاب‌های اخلاقی در زبان فارسی است». نزدیک‌ترین ادبیات حکمی به اندرزنامه‌های فارسی، آثار مکتوب پهلوی است که زمان نگارش این آثار متاخر است و ریشه این نوشته‌های پهلوی به جهان باستان ایران زردشتی می‌رسد» (دوفوشه کور ۱۳۷۷، ۱۸).

اندرزهای کهن ایرانی از سادگی برخوردارند و به تعبیر دوفوشه کور این ویژگی نباید قضاوت منفی را برانگیزاند و ضعف تالیف آن‌ها تلقی شود. «سادگی ضامن یقینی است که اندرزها باید به ارمان بیاورند و بدیهی بودن آن‌ها کلیدی است برای ورود به جهان اخلاق که در آن می‌توان تضادها و کشمکش‌ها را از میان برداشت» (دوفوشه کور ۱۳۷۷، ۲۳).

اندرز در ایران امروز به معنی گفته نغز و کوتاهی است که تجربه و رهاورد آزمون سخت و مهمی را در راه زیستن و آزمون گیتی به اختصار بیان می‌دارد و غرض از این گفتن و نوشتن، آموختن است و هشدار دادن؛ با این امید که سودمند افتد. سر پیچی کردن از اندرز ضرورتاً به معنای دست یازیدن به گناه نیست و موجب کیفر قانونی نمی‌شود گرچه ناممکن نیست. گاهی اندرز ارتباطی با اخلاق ندارد و بیشتر به نزاکت در رفتار یا حتی رموز و فنون مشاغل و مناصب باز می‌گردد. در واقع اندرز

پرهیز از گناه و دوری جستن از ارتکاب جرم و آموختن آداب و رسوم پسندیده اجتماعی است و رفتارهای فردی و شیوه درست عمل و رفتار درست را می‌آموزد ضمن اینکه به یآوری در اندیشه و گرفتن تصمیم درست هم می‌شتابد و شاید هم مصلحت فرد را منظور دارد و هم به صلاح جامعه فرمان می‌دهد. به عبارت دیگر نه تنها هر آنچه به مصلحت فرد و صلاح گروه و جامعه حکم می‌کند در حیطه اندرز و پند می‌گنجد بلکه طنز و شوخی و نیز مثل و کلمات قصار و نظایر این‌ها نیز گاهی با اندرز و نوشته‌ها و گفتارهای اندرزین یکتا می‌شوند.

در نتیجه اندرز را می‌توان حاصل اندیشه و تجربه‌های فرهنگی یک ملت در دوره‌ای طولانی دانست که سینه به سینه و نسل به نسل انتقال یافته و غنی تر گشته است. بنابراین ادبیات اندرزی را در زمره ادبیات شفاهی به شمار آورده‌اند که تعیین مولف و زمان تالیف آن کاری مشکل و گاه محال است و شاید به همین دلیل باشد که اندرزنامه‌های پهلوی را اغلب به دانایان، آموزگاران نخستین دین (پوریوتکیشان) و موبدان نسبت داده‌اند بی آن که نام فردی خاص در میان باشد: مانند اندرز پوریوتکیشان، اندرز دستوران به بهدینان، مینوی خرد و در زبان پهلوی افراد خاصی که گاه اندرزنامه‌های پهلوی به آنان منسوب است معمولاً شاه، وزیر یا یکی از موبدان‌اند که در دوره زندگی خود شخصیتی مورد احترام بوده‌اند مانند خسرو قبادان، بزرگمهر،

آذرباد مهراسپندان و ... که به عنوان گوینده برخی سخنان حکیمانه یادشده‌اند. از طرفی می‌توان تنها راه منسوب نمودن متون اندرزی به مولفان را ارجاع دادن آن‌ها به مولفانی دانست که نامشان در خود متن‌ها آمده‌است.

از لحاظ شکل ظاهری اندرزها به ضرب المثل و کلمات قصار شبیهند یعنی جملاتی کوتاه که حکمتی را در بر دارند اما اندرز از جهاتی با مثل و کلمات قصار متفاوت است از جمله این‌که پشتوانه ضرب المثل داستان یا حکایتی است که در زمان معلوم یا نامعلومی اتفاق افتاده است اما پشتوانه اندرز، تجربه و دانش است. در کلمات قصار کوبندگی و ایجاز بالایی وجود دارد که در اندرزها دیده نمی‌شود.

با وجود این تفاوت‌ها ممکن است این سه عنوان (اندرز- کلمات قصار- ضرب المثل) به جای یکدیگر به کار روند و یا این‌که اندرز در طول زمان حالت ضرب المثل یافته باشد.

«در آثار اندرزی دوران میانه بسیاری از طرزهای بیان و شکل‌های ظاهری اندرزهای دوران جدید به چشم می‌خورد: آوردن اندرز در ضمن سخن گفتن از مطالبی دیگر، مفاهیمی که اندرز و پند را القا می‌کند مانند ستودگی، رادی و راستی، آوردن شرح احوال بزرگان که نمونه عالی رفتار و اخلاق بوده‌اند برای دادن نمونه و مثال اندرزوار، آوردن قصه و داستان برای راهنمایی و تفهیم پند و اندرز و نیز توسل جستن به نماد و تمثیل رمزگونه

در بیان اندرز را هم در ایران کهن و هم در دوران پس از اسلام می‌توان باز یافت» (مزداپور ۱۳۸۶، ۱۵). تعداد بسیاری از اندرزها در سده‌های آغازین دوره اسلامی به عربی ترجمه شده‌اند و از آن جا که اصل پهلوی بخش بزرگی از آن‌ها از میان رفته است؛ آثار باقی مانده به زبان عربی بسیار با ارزشند. بخشی از این اندرزها نیز مانند اندرز بزرگمهر دوباره به ادب فارسی راه یافته‌اند و برخی مستقیم از منبع پهلوی و برخی با واسطه به نظم فارسی در آمده‌اند.

سنت اندرزگویی

«اندرزگویی، سنت اندرزنامه نویسی و نوشتن اندرز را در پی دارد. نوشته‌های اندرزی گاهی مستقیم است و ساده، گاهی نیز به صورت غیر مستقیم به گفتن اندرز مبادرت می‌ورزد. اندرز نامستقیم در ضمن نوشته‌ها و گفته‌های دیگر می‌آید و بسا که با نقل حکایت و داستان و ذکر صفات نیک و بد بزرگان یا بدتران یا به شکل مثل بیان می‌شود. بسیاری از سخنان اندرزی به بزرگان انتساب دارد و چنین انتسابی گاهی فقط برای افزودن بر تاثیر آن است. سنت نگاشتن اندرز در ایران کهن، گونه ادبی خاصی را پدید آورده است» (مزداپور ۱۳۸۶، ۱۱).

«هر اندرز مبتنی بر هنجارهای اجتماعی، چکیده و فشرده‌ای است از آداب، رسوم و وجوه مختلف حیات جامعه و تفکر

قومی. بنابراین، برداشت و جهان‌بینی فرهنگ‌های بشری را در هر جا در بردارد» (مزداپور ۱۳۸۶، ۱۶).

ادبیات اندرزی

یکی از بخش‌های ادبیات شفاهی و مکتوب ایران دوره باستان را اندرزنامه‌ها تشکیل می‌دهند. اندرز و حکم در ایران به ظاهر از دوران زردشت وجود داشته‌است زیرا خلاصه‌هایی از عبارت‌های اوستا در زبان پهلوی در دست است که باید آن‌ها را به طور مشخص پیشینه اندرزنامه نویسی در زبان پهلوی به شمار آورد. در دوران باستانی ایران یعنی در آثار بازمانده به زبان اوستایی و فارسی باستان، نمونه‌ای چند از اندرز را می‌توان یافت اما «در دوران میانه، همراه با افزایش یافتن حجم نوشته‌هایی که به زبان‌های ایرانی میانه در دست است تعداد و تنوع آن‌ها بیشتر می‌شود و در دوران جدید سخت فزونی می‌گیرد. با وجود این روند افزایش، پیش نمونه‌های بسیاری از انواع جدید و تازه این قبیل اندرزها را در دوران قدیم‌تر هم می‌توان دید. احکام اخلاقی و فقهی که منشا اندرزها و قواعد رفتاری و آیینی می‌شود در اوستا و نمونه اخلاقی رفتار و کرداری که باید برای فرمانروایان سرمشق باشد در کتیبه شاهان هخامنشی می‌آید. اندرزهای گروه اخیر را به ویژه باید نمونه‌های پیشین اندرزهای سیاسی و آیین نامه‌ها و نصیحه الملوک در دوران‌های بعدی به شمار آورد» (مزداپور ۱۳۸۶، ۱۴).

ایرانیان به خصوص در دوره ساسانیان علاقه و دل‌بستگی فراوانی به سخنان و نوشته‌هایی با مضامین اخلاقی داشته‌اند و آگاهی ما از ادبیات اندرزی بیشتر از این دوران است؛ اما این بدان معنا نیست که آنچه از پیشینیان و دانایان روزگاران باستان نقل شده است همه به دوران ساسانی باز می‌گردد. زیرا چنانچه در پیش آمد اوستا خود در بر دارنده سخنان اندرزی نیز بوده است که شاید بخش اصلی آن به زبان اوستایی مفقود شده باشد اما چکیده آن‌ها به زبان پهلوی در برخی موارد ساختار اوستایی آن را نمایان می‌سازد.

اهمیتی که ادبیات اندرزی در دوران ساسانی داشته سبب گردیده است تا این گونه سخنان کوتاه و پندآمیز علاوه بر کتاب‌ها بر صخره‌های عظیم، بناهای بزرگ، حاشیه لباس‌ها و فرش‌ها، کنار سفره‌ها یا در میان ظروف به جای نقش و نگار یا در ضمن نقش و نگار آورده شود.

«نمونه اصلی آثار اندرزی ایرانی، اندرزنامه‌های پهلوی است. سنت نگارش این گونه ادبی به دوران کهن‌تر باز می‌گردد و نمونه‌های مکتوب اندرزنامه‌های بین‌النهرینی را باید الگوی قدیمی آن‌ها به شمار آورد. اندرزنامه‌های پهلوی به ویژه از طریق ترجمه به ادب فارسی و نیز عربی رسید و این گونه ادبی به نوعی تداوم یافت» (مزدآپور، ۱۳۸۶، ۱۷).

این همه و آنچه که در ادبیات فارسی و عربی از آن‌ها بر جای مانده نشان از آن دارد که این گونه از ادبیات از ویژگی‌های فرهنگ مشرق به شمار آورده شده است و همگان بر این باورند که مردم در مشرق و در نظام اجتماعی خود حکمت و دانایی را در قالب این گونه سخنان پندآمیز فرا می‌گرفته‌اند.

اندرزهای کهن ایرانی

بخش اصلی اندرزهای ایرانی در دوران پیش از اسلام، زردشتی و به زبان پهلوی است. پیش از آن در دوران باستانی، اوستا اخلاق مشخصی را که شناخته و موصوف است به همراهی اصول و احکام فقهی که منشا شایست و ناشایست‌های آیینی است بیان می‌کند. از نوشته‌های شاهان هخامنشی تاییدی بر اصول اخلاقی اوستایی به دست می‌آید و گفتارهایی از کتیبه‌های باستانی را می‌شود در رده اندرزها به شمار آورد. در دوران میانه، جز نوشته‌های زردشتی در آثار پیروان ادیان دیگر هم اندرزهایی در دست است که به آن‌ها نیز پرداخته خواهد شد:

اندرزهای دوره باستان

«از زبان مادی که زبان قوم ماد یکی از اقوام آریایی است اثر مکتوبی برجای نمانده است اما از اشاراتی که در نوشته‌های مورخان یونانی نظیر هرودوت به داستان‌ها، قصه‌ها و اشعار این

دوره شده است رد ادبیات روایی و سینه به سینه این دوره را می‌توان پی گرفت» (زرشناس ۱۳۸۴، ۹).

اندرزهای دوره باستان به دو بخش اصلی تقسیم می‌شوند: نخست اندرزهایی که در مآخذ به زبان‌های باستانی ایران یعنی اوستا و کتیبه‌های شاهان هخامنشی مندرج است که حتی لوحه استوانه‌ای کوروش دوم که به فرمان کوروش، معروف و به زبان بابلی نو است نیز در این گروه قرار می‌گیرد و بخش دوم شامل اقوالی است که نویسندگان دنیای قدیم به ایرانیان نسبت می‌دهند که در این پژوهش، تنها بخش نخست مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

الف- اندرزهای هخامنشیان

علاوه بر منشور یا فرمان کوروش بزرگ که معرف رفتار ملاطفت‌آمیز و پرتساهل کوروش در بابل است:

«آنگاه که من (کوروش) آشتی خواهان به بابل اندر شدم با شادی و شادمانی در کاخ شهریاری خویش اورنگ سروری خویش بنهادم سربازان من دوستانه در بابل گام برمی‌داشتند من نگذاشتم کسی در جایی در تمامی سرزمین‌های سومر و اکد ترساننده باشد. من شهر بابل و همه دیگر شهرهای مقدس را در فراوانی نعمت پاس داشتم» (ارفعی ۱۳۵۶، ۱۸).

حرمت نهادن به زندگانی و عقاید و قوانین خود و دیگران و رعایت هنجارهای اخلاقی مانند راستی و احترام به قانون و پرهیز از دروغ و پرستش اهورامزدا و تسلیم خواست او بودن که

سرلوحه کتیبه‌های شاهان هخامنشی است؛ اندرزهای هخامنشی را تشکیل می‌دهد که حجم بسیاری از آن به خصوص در بخش پرستش اهورا مزدا به صورت غیر مستقیم بیان شده است به گونه‌ای که شاه خود را ملزم به پرستش اهورا مزدا و احترام به خواست او می‌داند و به گونه‌ای غیر مستقیم مخاطبین خود را نیز به این کار دعوت می‌نماید.

یکی از قدیمی‌ترین ادبیات اندرزی در کتیبه بیستون در ستون چهارم، سطرهای ۶۹-۱۶ چشم می‌خورد که در قسمتی داریوش بزرگ از جانشینان خود با لحنی اخلاقی و اندرزگونه می‌خواهد که از افراد دروغگو و زورگو دوری کنند.

و باز داریوش در کتیبه بیستون ستون چهارم می‌گوید: « اهورا مزدا مرا یاری کرد زیرا بدسگال و دشمن خو نبودم. زورگو و ستمگر نبودم نه من نه دودمانم. من خود موافق حق رفتار کردم نه به ناتوان و نه به توانا بدی و ستم نورزیدم. مردی که خاندان مرا یاری کرد او را نیک نواختم و آن که زیان رسانید او را سخت کیفر دادم» (کنت^۱، ۱۹۶۱، ۱۳۲) و یا در کتیبه شوش می‌گوید: «هر آنچه من کردم، نبود مگر آنچه خواست اهورامزدا بود من همان کردم، اهورا مزدا مرا دوست بود...» (کنت ۱۹۶۱، ۱۴۴).

ب- اندرزهای اوستا

گاهان یا گات‌ها پیام آسمانی زردشت و کهن‌ترین نوشته‌ای است که از ایران باستان در دست است. سرود آسمانی زردشت را نمی‌توان اندرزنامه نامید؛ اما اخلاق سترگ و درخشان آن سرنمون رفتار و کردار درست آدمی در اعصار جدید است. تمایز مطلق نیکی و بدی و انتخاب راستی، بنیاد استوار اخلاق گاهانی است. گاهان به طور کلی مفاهیم راستی، خرد، اندیشه نیک، تمایز و جدایی نیکان و بدان در منش و گفتار و کردار و پرهیز از دروغ و خشم را در بر دارد.

«در اوستای متاخر، ایزدان که در بنیان خود به خدایان هندو ایرانی و حتی هندو اروپایی باز می‌گردند در انطباق با آموزه‌های گاهانی، ذات‌هایی مطهر و آسمانی اند. صفات نیک آنان آموختنی است و همچنین اغلب به سان نمادی اخلاقی تجلی می‌یابند به مانند ایزد مهر که حافظ پیمان و عدل به شمار می‌رود و هرگونه نقض پیمان و تجاوز به حقوق دیگران و تخلف از رسم و آیینی که روابط میان مردم را در ضبط و کنترل دارد، آزدن ایزد مهر و سرپیچی از فرمان او و دروغ گفتن و خیانت به او تلقی شده و گناه مهرودروچی خوانده می‌شود» (مزداپور ۱۳۸۶، ۲۰-۲۱).

مهریشت بند دوم: مهر(پیمان) را مشکن ای اسپیتمان زردشت، نه آن پیمان را که با دروغ پرست بسته‌ای و نه آن را که با پارسای

پیرو دین نیک؛ زیرا استواری بر پیمان با هر دو الزامی است خواه با دروغ پرست خواه با پیرو راستی.

اندرزهای دوره میانه

الف- اندرزهای فارسی میانه (پهلوی)

مهم‌ترین بخش ادبیات پهلوی را اندرزنامه‌ها و اخلاقیات تشکیل می‌دهند که در ادبیات شفاهی گنجانده شده‌اند و از نسلی به نسلی همراه با تغییرات منتقل می‌شوند و به همین علت تعیین مولف و زمان تالیف آن‌ها کاری مشکل و گاه محال است (تفضلی ۱۳۷۶، ۱۸۱).

اندرزهای پهلوی ریشه در اندرزهای بین‌النهرین (میان رودان) دارد و باید این اندرزها را پیش نمونه اندرزنامه‌های پهلوی دانست. «نمونه‌هایی از اندرزنامه‌ها یعنی متنی که مستقلاً به اندرز دادن مبادرت ورزد در الواح بابلی وجود دارد و گاهی این اندرزها نیز مانند اندرزهای پهلوی با جمله پسر من آغاز می‌شود و سرآغازشان چنین است: بیا پسر من... یا پندم را بگیر ...

نمونه‌هایی از اندرزهای بابلی: خوردنی برای خوردن و آبجو برای نوشیدن (به کسان) بده؛ آنچه را که از تو بخواهند، عطا کن (دادنش را بپذیر) و آماده‌اش ساز. در این بخشش است که خدای هر کس خشنود می‌گردد. این (عطا) پسند (خداوند) شمش خواهد بود و شمش با یاری کردن (به بخشنده) آن را پاداش خواهد داد.

در ادوار کهن، در الواح سومری مجموعه‌ای از امثال و حکم وجود داشته و پاره‌ای از آن‌ها به دست ما رسیده است مانند: مرگ برای همه هست، گشاده دست باش. عمر دراز است، صرفه جویی کن» (مزداپور ۱۳۸۶، ۲۷).

اندرز و اندرزنامه در زبان پهلوی گونه ادبی معینی است. در اندرزنامه داننده‌ای با لحنی ملاطفت آمیز و پرمهر به گفتن اندرز می‌پردازد و اغلب فعل امر یا فعلی که معنای غیر مستقیم فعل امر را برساند؛ در اندرزنامه به کار می‌رود. «مخاطب اندرز، گاهی معین نیست و اندرز خطاب به عموم مردم است. اما به‌دینان و مزدیسنان یعنی زردشتیان، مردم جهان، کودکان و شاگردان مدرسه و به ویژه پسر من و پسر در این اندرزنامه‌ها مخاطب قرار می‌گیرند» (مزداپور ۱۳۸۶، ۲۹). اندرزهایی که عام و همگانی‌اند دوام بیشتری داشته و مضامینشان تا به امروز نیز ادامه یافته‌است اما گروه دیگر که با مفاهیم زمانه خویش پیوند داشته‌اند و رنگ و صبغه دینی و کهن دارد؛ در روزگار خود باقی مانده‌اند.

از انواع ادبیات اندرزی در آثار پهلوی می‌توان به داستان‌های اندرزی مانند نمونه‌هایی از داستان‌های اندرزی در دینکرد ششم و خسرو قبادان و رهی اشاره کرد. «دیگری جدل و مناظره در اندرزگویی است که نمونه آن مناظره درخت خرما و بز در رساله پهلوی درخت آسوریگ است که نمونه پیشین آن را در ادبیات

بین النهرینی نیز می‌توان یافت» (ماهیارنوابی ۱۳۴۶، ۱۳). گذشته از این‌ها در فصل نهم کتاب شایست و نشایست بند ۴ آمده است که روش جدل کردن برای آموختن و تعلیم و تعلم در ایران باستان متداول بوده است: برای خستو (مومن) شدن به دین بهی با هیربدان باید جدل کند و اگر جدل نکند هیربد مجاز است که وی را تعلیم ندهد.

ب- اندرزهای مانوی

مانی که در دوره شاپور یکم ساسانی ظهور کرد لقب فرشته روشنی را دارد. آموزه‌های مانوی جهان مادی را زندان می‌خواند و حیات را چرخه‌ای برای رهایی نور الهی از ماده ظلمانی و آزمند می‌داند.

رهنمودهای مانی برای رستگاری و پیوستن به کلیسای مانوی و زیستن به شیوه مانوی است: برای برگزیدگان پرهیز از ازدواج و فقر و سفر برای آموختن آیین مانی در جهان و برای نیوشایان که به منزله دیوارهای دین‌اند؛ اختیار کردن یک همسر و پرداختن به کسب و کار و زندگی عادی و نکشتن جانوران و فراهم کردن اسباب امرار معاش گزیدگان توصیه شده است. «جز این گونه اندرز، آزند به معنی داستان تمثیلی و مثل است و در آثار مانوی برای دادن اندرز به زدن مثل بسیار برمی‌خوریم» (تفضلی ۱۳۷۶، ۳۴۵-۳۴۶). این شیوه‌ای است که در دوران جدید رواج کامل یافته است.

ج- اندرزهای سغدی

زبان سغدی از زبان‌های ایرانی میانه شرقی به شمار می‌آید و از دیرزمان ابزار ارتباط و پیوند فرهنگ‌های سرزمین‌های شرقی و غربی آسیا بوده است. «بررسی متون موجود سغدی این واقعیت را نمودار می‌سازد که تنوع فرهنگی این آثار در خط آن نیز بازتاب یافته و بنابر ضرورت زمان و مکان و موضوع کتابت، از گونه‌های خطی متنوعی استفاده شده است» (زرشناس ۱۳۸۲، ۸۰).

آثار سغدی مانند آثار به جای مانده از دیگر زبان‌های ایران باستان، برحسب موضوع به دو دسته دینی و غیر دینی تقسیم می‌شود و متون اندرزی زبان سغدی غالباً در متن‌های دینی سغدی دیده می‌شود. این آثار متعلق به پیروان ادیان بودایی، مانوی و مسیحی است که آثار بودایی دارای سبک سنتی آموزشی سوتره‌های هندی است. آثار سغدی مانوی را متن‌های ترجمه تورفان تشکیل می‌دهند و در برگیرنده ترجمه سغدی سرودها و متن‌های مربوط به کتاب‌های دینی مانوی از اصل فارسی میانه و پهلوی اشکانی یا آثاری است که در اصل به زبان سغدی نوشته شده‌اند و مهم‌ترین آن‌ها شامل توبه نامه‌ها، داستان‌ها و تمثیل‌ها و سروده‌های کوچک و بزرگ است. متن‌های سغدی مسیحی شامل ترجمه بخشی از کتاب مقدس، زندگی و اعمال قدیسان، کلمات قصار، عبارات پندآموز، مواظ و... است.

به طور کلی اندرزها به دو نوع نصایح دینی و حکم عملی و تجربی تقسیم می‌شوند که این نوع تقسیم بندی در اندرزهای پهلوی مشهودتر است و «مضامین بسیاری از اندرزهای نوع دوم را در میان ملل دیگر نیز می‌توان یافت زیرا این گونه حکم حاصل تجربیات بشری است» (تفضلی ۱۳۷۶، ۱۸۱).

علاقه وافر ایرانیان باستان به اندرز گویی و رعایت ادب و اخلاق سبب شد تا با ظهور اسلام نیز ساکنان این سرزمین، آیین و فرهنگ خویش را فراموش نکنند و آثاری که در این زمینه نوشته شده بود را با به وجود آمدن سنت ترجمه در دنیای اسلام، از پهلوی به عربی برگردانند و به تدریج این آثار به دوران اسلامی راه پیدا کرده و با تغییراتی اجازه حضور و خودنمایی یافت.